

جاهلیت مدرن و الزامات تضمینی ایجاد دانشگاه اسلامی

مهدی عباسی شاهکوه^۱
شهرروز شریعتی^۲

چکیده

هدف: هدف از نگارش مقاله حاضر، ارائه مهم‌ترین الزامات برای ایجاد دانشگاه اسلامی و بیان وظایف دانشگاه اسلامی در شرایط حاکمیت جهالت مدرن بر جهان بود. **روش:** این مقاله با روش‌شناسی تفسیری بر مبنای آموزه‌های نظری تأویل متن و روش تحلیل گفتمان، ابتدا به تبیین نظری پدیده جاهلیت در کلام و اندیشه علمای اسلامی پرداخته، سپس با بررسی گفتارها و متون مکتوب امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، ضرورت پردازش مفهوم جاهلیت مدرن را برای صورتبندی و بازسازی گفتمان دانشگاه اسلامی نشان داده است. **یافته‌ها:** دانشگاه اسلامی بر مبنای تکلیف تمدنی و رسالت الهی باید حساسیت زیادی را برای ترویج باورهای خود به صورت عمیق و نه سطحی قائل باشد و ضمن توجه به پیچیدگی و ظرافتهای خاص در جهان معاصر باید بتواند افزون بر تبیین بیان مسئله، گامهای عملی برای نفی جهالت مدرن بردارد. دانشگاه اسلامی همچنین باید خود را مکلف به تدارک و تهیه نقشه راهی کند که متناسب با پیچیدگی‌های مناسبات بین‌المللی الگویی اثربخش در میان‌مدت و بلندمدت محسوب شود. **نتیجه‌گیری:** نسخه موفق دانشگاه اسلامی را در مواجهه با «دگر» غربی، باید دانشگاهی توصیف کرد که بتواند با اتکا به عقل بومی، آموزه‌های حکمت متعالیه و نفی جهل مدرن، منشأ و مقصدی الهی داشته و غایتش هدایت جامعه به سمت نزدیکی و تقرب به ساحت الهی و زندگی و زیست مؤمنانه باشد. در حقیقت؛ دانشگاه اسلامی باید نقشی را برای دانشجویان به عهده گیرد که پیش‌تر پیامبران الهی ایفا می‌کردند.

واژگان کلیدی: ایران، انقلاب اسلامی، فرهنگ سیاسی، جاهلیت مدرن، دانشگاه اسلامی.

◇ دریافت مقاله: 97/07/01، تصویب نهایی: 98/01/23.

1. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

2. دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس/ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)/

نشانی: تهران؛ دانشگاه تربیت مدرس/ نمار: 82883097/Email: shariati@modares.ac.ir

الف) مقدمه

مفاهیمی مانند خشونت، دروغ‌پردازی‌های رسانه‌ای، انسان‌مداری و عصیان علیه دین و معنویت‌های الهی، تکیه بر عقل خودبنیاد،¹ شهوت‌پرستی‌های افسارگسیخته، تاریخی شدن بدن و جنسیت (فوکو، 1389: 227) و تحمیل انگاره‌های فرهنگی را می‌توان از جمله ویژگی‌های فرهنگی غرب در قرون جدید دانست. از منظر تاریخ اندیشه غرب، به دنبال نهضت پروتستانتیسم که پاسخی به افراطی‌گری‌های انحصارطلبانه، علم‌زدا و عقل‌گریز کاتولیسیسم بود، مدرنیته نیز مسیر تفریط پیمود. اندیشه‌های رهبران پروتستانتیسم با اصالت بی‌حدی که برای دنیا و فرد قائل شدند، آدمی را به مسیر جاه‌طلبی‌های مادی سوق دادند؛ چه آنکه در برداشت جدید و وارونه‌ای که از مذهب اراده کردند، پیروزی‌های دنیوی، ثروت و توانگری را به عنوان رضایت خداوند تفسیر کردند (ویر، 1388: 67؛ بدیع، 1380: 57). به دنبال تغییرات در رویکرد مذهبی، اندیشه‌های دنیاگرایانه، انسان‌مدارانه و توسعه‌طلبانه بر پایه عقل خودبنیاد شکل گرفت که در آن غایت الهی ریاضت‌مندانه جای خود را به مادی‌گرایی صرف داد. کوشش انسان مدرن غربی در طلب دنیا تا جایی پیش رفت که به نفی «غیب‌عالم» و «عالم‌غیب» روی آورد؛ علم در مشاهده و حس خلاصه شد؛ زیرا انسان تنها باید در اندیشه فزونی سود و لذت باشد و اساس کار، محاسبه و مقایسه دردها و لذتهاست و هیچ اندیشه دیگری در این نگاه نباید راه داشته باشد (جوینز، 1388، ج 2: 483). گرچه اخلاقیات و ارزشهای اخلاقی، مفاهیمی انتزاعی به نظر می‌رسید؛ با این حال سودهایی در آنها دیده می‌شد. به همین رو، اندیشمندان و فلاسفه طرفدار مدرنیته نظیر ویلیام جیمز، جان دیویی و ریچارد رُرتی نیز به ویژه در آمریکا با نگاه پراگماتیستی، آدمی را به تفلسف در سطح و عمل‌گرایی دعوت، به انسان مدرن این باور را تلقین کردند که در سرگشتگی معرفتی «پاسخ برای حقیقت راست نمی‌نماید» و از همین رو، «صلاح در نسبیات اخلاقی و پرهیز از ژرف‌اندیشی است»؛ زیرا «عمق‌اندیشگی انسان را نأمید می‌سازد و در چاله‌های کلامی گم می‌کند» (رُرتی، 1386: 141). با نظر در تاریخ اندیشه غرب از افلاطون و ارسطو (عنایت، 1381: 90) تا آگوستین، لاک، نیچه و هگل، می‌توان نوعی خودخواهی و خودبرتربینی را مشاهده کرد که در آن، انسان غربی به مثابه شهروند درجه اول و دیگران شهروندان درجه دوم و سوم (بنده و برده) خوانده می‌شوند که این امر منجر به تبعیض در حقوق انسانی و بروز استثمار، استعمار و خشونت علیه دیگر ملل جهان شد؛ چنانکه در نظر هگل، کلیه سرزمینها و مردمانش به کسی تعلق دارد که با زور اسلحه آنها را تسخیر کرده است (میرسپاسی، 1393: 78). بدین ترتیب و به تعبیر مارشال برمن، عصر مدرن «گردابی از مبارزه و تناقض و ابهام و عذاب» را به وجود آورد (برمن، 1386: 14). بر اساس آنچه گفته شد، چالش اصلی انسان مدرن در تعریف و شناخت تک‌ساحتی از

1. Subjectivism

جاهلیت مدرن و الزامات تضمینی ایجاد دانشگاه اسلامی ❖ 397

انسان است که در آن، توسعه مادی به هر قیمتی و با هر هزینه‌ای از جمله استعمارگری، جنگهای عالم‌گیر و ترویج فساد صورت می‌پذیرد.

در همین حال، گفتمان انقلاب اسلامی ایران نظام اندیشگی حاکم بر مدرنیته و مدرنیسم را همچون جامعه عربی پیش از ظهور اسلام «جاهلیت» خواند. جاهلیتی که بر مبنای تنازع بقا به خشونت و غضبی افسارگسیخته دست می‌زند و جهان را با خود به ورطه نابودی می‌کشانند و نیز توانسته از طریق دو ابزار «رسانه» و «دانش» به گفتمانی نیرومند و هژمونیک در سطح دنیا مبدل شود و با تغییر الگوهای مصرفی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع، نظام فکری خود را به همه نقاط تسری دهد. به بیان دیگر؛ گفتمان انقلاب اسلامی ایران با موضع‌گیری در برابر گفتمان مدرنیسم غربی می‌کوشد این گفتمان را به مثابه پادگفتمانی معرفی کند که در چارچوب تداوم رسالت الهی انبیا و متأثر از آموزه‌های اسلامی، طرفدار ایجاد تمدن نوین اسلامی است که در آن انسان به سعادت حقیقی در دو وجه «محسوس» و «معقول» دست یابد. در این میان آنچه می‌تواند به تولید علم، جنبش نرم‌افزاری، معنای قابل اجرا و معرفی الگوی زیسته جدید مبتنی بر آموزه‌های اسلامی - الهی یاری رساند، نهاد دانشگاه اسلامی است که پیشی غیر انتزاعی و در دسترس طبق اهداف گفتمان انقلاب اسلامی پدید آورد. بر این مبنای، پرسش اصلی پژوهش حاضر شکل می‌گیرد: «مفهوم‌شناسی پدیده جاهلیت مدرن در نیل به اهداف دانشگاه اسلامی چه جایگاهی دارد؟». در پاسخ می‌توان گفت: مفهوم جاهلیت مدرن ترسیم‌کننده هویت تمدنی غرب و غیریت انقلاب اسلامی است و دانشگاه اسلامی باید با نفی و طرد عناصر جاهلیت مدرن، اقدام به بازسازی و صورتبندی گفتمانی خود کند.

بر این اساس، نوشتار پیش رو با روش‌شناسی تفسیری بر مبنای آموزه‌های نظری تأویل متن و روش تحلیل گفتمان، ابتدا به تبارشناسی پدیده جاهلیت در متون اسلامی و اندیشه علمای اسلامی می‌پردازد و سپس با بررسی گفتارها و متون مکتوب امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، ضرورت پردازش مفهوم جاهلیت مدرن را برای صورتبندی و بازسازی گفتمان دانشگاه اسلامی نشان خواهد داد.

ب) پیشینه پژوهش

مشابه ادبیات تحقیق حاضر، مقالاتی چند، پدیده جاهلیت مدرن را ارزیابی و تحلیل کرده‌اند که به آنها اشاره می‌شود. مقاله «اومانیسیم، علت‌العلل معرفتی معنویت مدرن جاهلی» (رضایی، 1395)، اومانیسیم را واکنش دنیای مدرن نسبت به تحقیر آدمی در کاتولیسیم دانسته که به دلیل خلأ معنوی، بشریت را مجبور به یافتن معنویت روانی و عاطفی کرده که خداوند در آن فراموش شده و انسان را از اصل هدایت الهی باز داشته است. «بررسی تطبیقی شاخصه‌های اخلاقی جاهلیت اولی با جاهلیت مدرن» (آخوند، پورمحمدی و نجفی، 1395) نوشتار دیگری است که وجوه جاهلیت قبل از ظهور اسلام را محدود به زمان و مکان ندانسته و مطابق

398 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 80

تعریف قرآن از جاهلیت، این مفهوم را در زیسته مدرن نیز باز تولید شده می‌داند و از عناصری چون: شرب خمر، فساد اخلاقی، زنا و... در هر دو نوع جاهلیت یاد می‌کند. مشابه این اثر، مقاله «جاهلیت مدرن از نگاه آیات و روایات» (مرزایی، 1395) است که البته در این باب نگرشی شیعی داشته و از احادیث معصومین (ع) بهره جسته است. «جاهلیت مدرن در مدرنیته با نظر به مبانی قرآن کریم» (صدی، 1395) نیز از همین دست آثار است که از مدرنیته به سبب اصالت دادن به پوزیتیویسم، اعتقاد به سکولاریسم و انکار سنت، انتقاد کرده است. «وجوه اشتراک و تمایز جاهلیت اولی با جاهلیت امروز» (قدوسی، 1395) از منظر قیاسی به توصیف وجوه اشتراک و افتراق جاهلیت اولی و مدرن پرداخته است.

امتیاز مقاله حاضر در برابر مقالات مذکور، تبارشناسی همه‌جانبه‌ای است که در متون اسلامی از قبیل قرآن و حدیث، تاریخ اسلامی، آرای حکمای مسلمان، نظرات اندیشمندی چون محمد قطب و بررسی گفتمان انقلاب اسلامی در باب مفهوم جاهلیت می‌پردازد.

از آنجا که نوشتار حاضر، فهم پدیده جاهلیت را پیش‌نیاز ساخت دانشگاه اسلامی می‌داند، لذا می‌بایست آثاری که در باب دانشگاه اسلامی تألیف شده نیز بررسی شوند. مقاله «آرمان‌گرایی و حرکت در دانشگاه اسلامی» (قربانی‌زاده و امینی، 1393) به شناخت چپستی ماهیت دانشگاه اسلامی به عنوان الزام اصلی دستیابی به این هدف آرمانی با بهره‌گیری از روش تحلیل کیفی پرداخته و ماده اصلی تحلیل خود را از بررسی سخنان آیت‌الله خامنه‌ای درباره دانشگاه اسلامی به دست آورده است. این مقاله از منظری اثباتی به موضوع نگریسته؛ در حالی که مقاله حاضر از منظر نفی به موضوع پرداخته است. در این راستا آثار دیگری نیز وجود دارد که معیارهای دانشگاه اسلامی طبق نگرش اساتید درس معارف اسلامی و نیز اندیشه مبدعان آن را ارزیابی کرده‌اند (هاشم‌زهی و همکاران، 1389؛ فضل‌اللهی قمشی و اسلامی‌فر، 1390). مقاله «دانشگاه حکمت‌بنیان، نهاد مبنایی پیشرفت متعالی» (فاتح‌راد، نقوی و جلیلود، 1392) چگونگی ساخت دانشگاه اسلامی را به تحول در نهاد دانشگاه و توجه به حکمت مورد نظر امام خمینی و استادش آیت‌الله شاه‌آبادی مربوط ساخته است. مشابه این مقاله، «ظریه دانشگاه اسلامی: الگوی فرهنگی منتج از روش نظریه مبنایی» (مهدی، 1392) است که احیا و تعمیق باورهای اسلامی در دانشجویان را مهم‌ترین مسئله دستیابی به دانشگاه اسلامی معرفی می‌کند.

با مروری بر این آثار و سایر مکتوبات، می‌توان گفت موضوع دانشگاه اسلامی بر خلاف تبلیغات موجود و ضرورتی که نسبت بدان احساس می‌شود، مغفول مانده است و آنچه بیشتر گفته شده، مصداق اسلام دانشگاهی و نه دانشگاه اسلامی است. نوشتار حاضر با توجه به آموزه‌های کلامی، حکمی و تاریخی اسلامی و شیعی و نیز تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی در باب پدیده جاهلیت مدرن، شناخت این پدیده را ضمانت و الزام سلبی ساخت دانشگاه اسلامی می‌داند.

ج) روش‌شناسی

مقاله حاضر با بهره‌گیری از آموزه‌های تأویل متن (هرمنوتیک) و تحلیل گفتمان تلاش می‌کند پدیده جاهلیت مدرن و ارتباط آن با تحقق دانشگاه اسلامی را تبیین و تفهیم کند. در رویکرد هرمنوتیک برای شناخت بهتر پدیده‌ها و موضوعات باید باورها و هنجارهای پشتوانه فکری شناسایی شوند. همچنین تأویل موضوع زمانی می‌تواند ممکن شود که موضوع به متن درآمده باشد. از این رو، فهم تأویلی پدیده‌های سیاسی و اجتماعی زمانی مقدور خواهد بود که به شکل معناداری در قالب متن ظاهر شوند. چنانکه «متن یک کل است و کلیتی بر آن حاکم است. میان کلیت و اجزای متن ارتباط وجود دارد و کل بر مبنای اجزای آن و اجزا بر مبنای کلیت معنا می‌شوند. هرمنوتیک تلاشی برای فهم کلیت متن است» (معنی علمداری، 1389: 145-151). در این میان، گادامر تلاش کرد متن را با آگاهی از پیش‌فهم‌ها معنا کند. این پیش‌فهم‌ها و چارچوب زبانی آن، تاریخی بودن و محدودیت متن را به وجود می‌آورد. هرمنوتیک گادامری، شکلی موقعیتی دارد؛ بدان معنا که مفسر باید به موقعیت و شرایطی که متن در آن شکل می‌گیرد، توجه داشته باشد (بالمر، 1389: 237). اسکینر نیز در رویکرد تأویل متون سیاسی خود معتقد است برای فهم معانی، اصطلاحات، مفاهیم و گزاره‌های سیاسی، علاوه بر مطالعه آثار و متون و شناخت زمینه‌های اجتماعی و سیاسی آن دروه، باید نیت و مقاصد اندیشمندان و صاحب متن را دریافت. (مرتضوی، 1386)

بر این مبنای متن حاضر می‌کوشد برای فهم عنصر جاهلیت مدرن به زمینه‌کاوی و سَنَتهایی که گفتمان انقلاب اسلامی در آن شکل گرفته پردازد. در همین حال، از آنجا که پدیده و عنصر جاهلیت مدرن به مثابه غیریت¹ و دیگری در گفتمان انقلاب اسلامی معنا می‌دهد، برای تبیین آن از آموزه‌های نظری لاکلاو و موف استفاده می‌شود. ارنستو لاکلاو و شانتال موفه، با بهره‌گیری از آرای میشل فوکو به طراحی نظریه گفتمانی خود پرداختند و این نظریه را به همه امور اجتماعی و سیاسی تعمیم داده، تلاش کردند از طریق این نظریه جامعه معاصر را تحلیل کنند. در این دیدگاه نظری، جهان پراکنده و پیچیده است و تنها از گذر مقوله‌بندی گفتمانی درک خواهد شد؛ بدین مفهوم که خارج از فضای گفتمانی هیچگونه قوانین عینی و ضروری‌ای وجود ندارد (حقیقت و حسینی‌زاده، 1387: 106). ایجاد ضدیتها و خصومتها² به واسطه تأسیس مرزهای سیاسی، تثبیت مرزهای سیاسی و هویت‌سازی برای گفتمانها ضرورت دارد. (لاکلاو و موفه، 1985: 134)

طبق نظریه تحلیل گفتمان، کسب یک نوع هویت کامل و مثبت از سوی کارگزاران و گروهها بدون حضور «دیگری» غیر ممکن است. از این رو، گفتمانها تلاش می‌کنند از طریق منطقی تفاوت، دگرسازی کنند و به خود هویت بخشند تا از هم مانع عینیت و تثبیت گفتمانهای رقیب شده، هم سازنده هویت و عامل

1. Other

2. Antagonism

انسجام خود باشند (مارش و استوکر، 1388: 205). از این منظر، هر دال و نشانه‌ای با غیر خود معنا می‌یابد و میزان فردیت،¹ عاملیت اجتماعی² و سوژگی سیاسی³ در آن مشخص می‌شود؛ به ویژه آنکه موقعیتها با تبدیل فرد به سوژه، شخص را به انتظارات و تکلیفی تعریف شده مکلف می‌سازد و انسانها در نقشها و موقعیتهایی ویژه قرار می‌گیرند (بورگسن و فیلیس، 1389: 79). از این منظر، عنصر جاهلیت مدرن، غیریت گفتمان انقلاب اسلامی و دانش اسلامی است و متن حاضر نیز از این نگره به تحلیل و تفهیم آن می‌پردازد.

ج) تبیین نظری مفهوم جاهلیت مدرن

شناخت مفهوم پدیده جاهلیت مدرن، مستلزم تبارشناسی مفهومی و نظری مفهوم «جاهلیت» در اندیشه اسلامی است. بر این مبنا، آموزه‌های کلامی شامل قرآن و حدیث، آموزه‌های حکمی فلسفه اسلامی - شیعی، به ویژه در خوانش فارابی و ملاصدرا، اندیشه سیاسی اسلامی در آرای سید قطب و گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر گفتارها و متون ارائه شده امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان اصلی‌ترین عناصر سازنده این نظریه ارزیابی کرد که در ادامه به مصادیق آن اشاره خواهد شد.

1. صورت‌بندی مفهوم جاهلیت در آموزه‌های قرآنی

مستشرقانی چون گوستاو لوبون، مفهوم جاهلیت را در برابر تمدن و زندگی شهری قرار می‌دهند. به همین سبب در قالب نفی نظریه جاهلیت مد نظر قرآن، به اقامه دلایلی نسبت به آثار مدنیت از قبیل شعر، ادبیات، ساختمانهای سنگی، وجود شهرها و تجارت میان عرب برآمده‌اند (لوبون، 1394: 97)؛ که این رویکرد از سطحی‌نگری و عدم دریافت صحیح این مفهوم خبر می‌دهد. اما بر مبنای آیات قرآن، جاهلیت به معنای «صالت دادن به زندگی مادی» و تلاش برای به حداکثر رساندن بهره‌گیری از لذایذ دنیوی است که با انکار یا تصغیر زندگی آن‌جهانی، معاد را تکذیب و زندگی را در دنیا منحصر می‌داند (دخان: 34 و 36). آیات متعددی در قرآن با ارائه مثال از مردم عرب پیش از ظهور اسلام، شیوه زندگی جاهلی را تبیین کرده‌اند. در برخی از این آیات، جاهلیت شامل ویژگی‌های عینی ذیل است: «تفاخر و فخر فروشی» (حدید: 20)، «تحقیر زن» (نحل: 59-58)، «زدواج با همسران پدر» (نساء: 23)، «زنا» (اسراء: 32؛ نور: 23)، «می‌گساری» (بقره: 219)، «ربا خواری» (بقره: 276-275)، «قمار» (مائده: 90)، «مقدس دانستن برخی از حیوانات» (مائده: 103)، «شرک، نیکی نکردن به والدین و کشتن فرزندان از ترس فقر» (انعام: 151)، «زنده به گور کردن دختران» (تکویر: 8)، «انکار معاد» (هود: 5) و ... به طور کلی آنچه در قرآن مظهر جاهلیت عنوان می‌شود، کفر بر توحید، ماده‌گرایی و انکار معاد است؛ خداوند در قرآن

1. Subjectivity
2. Social Agency Closure
3. Political Subjectivity

جاهلیت مدرن و الزامات تضمینی ایجاد دانشگاه اسلامی ♦ 401

کریم می‌فرماید: «آنان می‌گفتند: چیزی جز همین زندگی دنیا در کار نیست؛ گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای آنها را می‌گیرند و جز طبیعت و روزگار، ما را هلاک نمی‌کند. آنان به این سخن یقین ندارند، بلکه تنها گمان بی‌پایه‌ای دارند». (جائیه: 24)

دیگر عنصر مهم و اصلی گفتمان جاهلیت، مسئله جنگهای خونین و ستیهندگی عربی بود که گاه بر سر موضوعی حقیر تا نیم یا یک قرن ادامه می‌یافت که تغییر ماههای حرام به موجب همین عنصر جنگ پدید آمد (سجانی، 1380، ج 1: 18). مسئله اصالت مادیت و تلاش برای بقا در عالم ماده، هویتی ستیهنده و خون‌ریز در عرب پدید آورده بود که همه چیز حول آن بازتعریف می‌شد. از این منظر، نظام قبیلگی بر مبنای عصبیت و اصالت خون، قومیت‌گرایی و نژادپرستی، ثروت‌اندوزی، اهمیت کثرت جمعیتی و تفاخر بر تعداد مردگان (نکاتر: 1-2) و شمار مقابر پدید آمد و انسان آن عصر را در جنگ به عنوان نظم طبیعی فرو برد (جغریان، 1392: 158). باید اشاره شود که از مهم‌ترین دلایل مردم‌یثرب برای دعوت از پیامبر (ص)، ترس از نابودی دو قبیله اوس و خزرج به سبب دشمنی و تداوم جنگهای چند ده ساله بود. (ابن اثیر، 1370، ج 2: 582)

2. صورتبندی مفهوم جاهلیت در آموزه‌های حدیثی

از مهم‌ترین منقولاتی که به ویژه شیعیان در باب جهل بدان رجوع می‌کنند، حدیث معروف «جنود عقل و جهل» از امام صادق (ع) است که در آن برای هر کدام، 75 مصداق و نشانه نقل شده است. در این حدیث با تأکید بر اهمیت شناخت جنود عقل و جهل آمده است: «حضرت فرمود: خدای عز و جل عقل را از نور خویش و از طرف راست عرش آفرید و آن مخلوق اول از روحانین است. پس بدو فرمود: پس رو! او پس رفت. سپس فرمود: پیش آی! پیش آمد. خدای تبارک و تعالی فرمود: تو را با عظمت آفریدم و بر تمام آفریدگانم شرافت بخشیدم. سپس جهل را تاریک و از دریای شور و تلخ آفرید به او فرمود: رو! پس رفت. فرمود: پیش بیا! پیش نیامد. فرمود: گردن‌کشی کردی؟ او را از رحمت خود دور ساخت» (کلینی، 1379، ج 1، روایت چهاردهم). امام خمینی در شرح این حدیث، شناخت جنود عقل و جهل را مقدمه‌ای بر یافتن راه هدایت می‌داند که کمال، تنزیه و تصفیة نفس را به همراه داشته، اساس معرفت الهی است و «اینکه این معرفت، نتیجه معرفت عقل و جهل و جنود آنهاست، برای آن است که تا معرفت به مهلکات و منجیات نفس و طرق تخلی از آنها و تخلی به اینها پیدا نشود، نفس را تصفیة و تنزیه و تحلیه و تکمیل حاصل نشود و تا نفس را صفای باطنی پیدا نشود و به کمالات متوسطه نرسد، مورد جلوه اسما و صفات و معرفت حقیقه نگردد و به کمال معرفت نرسد، بلکه جمیع اعمال صوریه و اخلاق نفسیه، مقدمه معارف الهیه است و آنها نیز مقدمه حقیقت توحید و تفرید است که غایت القصوای سیر انسانی و منتهی‌النهاییه سلوک عرفانی است. پس هدایت به ملکوت اعلی و از آن‌جا به باطن اسما و از آن‌جا به حضرت هویت، بی‌مرآت کثرت حاصل نشود الا به شناخت جنود عقل و جهل» (امام خمینی، 1391: 18). از این منظر، شناخت جاهلیت، زمینه هدایت یافتگی و

معرفت و قرابت الهی است. لذا برای تحقق اهداف دانشگاه اسلامی باید همواره عناصر سازنده جاهلیت را که مصداق سربازان شیطان‌اند، بازشناسی کرد.

3. صورت‌بندی مفهوم جاهلیت در فلسفه اسلامی - شیعی

مصادیق مواجهه با مفهوم جهل را افزون بر منابع قرآن و حدیث، می‌توان در فلسفه سیاسی شیعی نیز جست‌وجو کرد که در این میان آرای فارابی و ملاصدرا در بین علمای شیعه بازتاب بیشتری داشته است. ابونصر فارابی عقل را سرچشمه فضایل و جهل را موگلد ردایل می‌داند. فارابی بر مبنای نیاز انسان به وجود روابط اجتماعی برای رسیدن به سعادت هر دو جهانی، جوامع را به دو نوع فاضله و غیر فاضله تقسیم کرده است. از منظر وی، دوری مردم از حکمت و تضاد میان عمل و نظر از یکدیگر مایه غیر فاضله بودن جوامع است. فارابی معتقد است انسانهایی که معقولات را در جهت درست به کار می‌گیرند، صاحبان فطرت سلیم‌اند و می‌توانند به سعادت نهایی نایل آیند. وی بر این مبنای، از جوامعی با عنوان مدینه‌های غیر فاضله نظیر «جاهلیه» (عدم شناخت سعادت حقیقی)، «فاسقه» (عارف به حقیقت و عدم عامل بودن بدان) و «ضاله» (وجود عقاید باطل و فاسد، وجود رهبر گمراه) سخن می‌گوید (داوری اردکانی، 1354: 122) و در توضیح جوامع جاهلیه می‌گوید: اهل مدینه‌های جاهلیه، دچار بیماری نفسانی بوده، از دریافت حقیقت امور ناتوان و از لذایذ راستین حیات محروم مانده‌اند. به باور وی، این بیماری از کسب افعال شرور ارادی و عادت کردن به فساد رخ داده و مداومت بر این اعمال بر مراتب نقص و پستی هیئت نفسانی آنان افزوده است. (ناظرزاده کرمانی، 1376: 343)

بر خلاف فارابی، ملاصدرا پیش و کم‌نگاهی اثباتی دارد. در اندیشه صدرالمآلهین، هدف آدمی درک مفاهیم و دریافت حقایق عالم (ربّ ارنی الاشیاء کما هی) است که دستیابی به آن، بدون تهذیب نفس ممکن نخواهد بود. به باور وی، برای رشد و بقای انسان، تنها دانش و معرفت کافی نیست؛ زیرا آدمی منحصر در شخص نبوده و از این رو نمی‌تواند در دنیا بدون تمدن، جامعه و یاری دیگران زیست کند. به باور این فیلسوف شیعه، «هرگاه سیاست از شریعت اطاعت کند، ظاهر عالم هماهنگ با باطن آن می‌گردد؛ محسوسات در سایه معقولها قرار می‌گیرند و تحرک اجزا به طرف کل و در هماهنگی با کل حرکت می‌کند. رغبت در جهت فاعلیت و زهدات در جهت منفعلیتی قرار می‌گیرد که محذور به فضل راحت خود و ارتعاب به فضیلت خود انجام می‌دهد» (ملاصدرا، 1366: 496). بر این اساس، توازن شریعت و سیاست و قرار گرفتن در جامعه بافضلیت، آدمی را به کمال نزدیک می‌کند که این کمال، همان هدایت‌یافتگی و تقرّب الهی است (فدایی مهربانی، 1393: 477). بدین ترتیب، به نظر می‌رسد صورت‌بندی مفهوم جهل در خوانش فارابی و ملاصدرا نقش بسیار زیادی برای تحقق اهداف گفتمانی دانشگاه اسلامی دارد.

4. صورت‌بندی مفهوم جاهلیت در اندیشه محمد قطب

از نخستین اندیشمندان اسلامی معاصر که از اصطلاح و مفهوم «جاهلیت مدرن» سخن به میان آورد، «محمد قطب» بود که تمدن غرب را در ساحت و ماهیت، مشابه ویژگی‌های عصر جاهلیت عربی می‌دانست. وی ابتدا به هستی‌شناسی جاهلیت پرداخته، آن را محدود به پیش از ظهور اسلام در شبه‌جزیره نمی‌داند. وی در تعریفی خلاصه از جهل می‌گوید: «جاهلیت عبارت است از انحراف از عبادت شایسته در پیشگاه خدا؛ عبادتی که پیوسته در سایه پذیرش حکومت خدا در همه برنامه‌های زندگی انجام می‌گیرد» (قطب، 1359: 56). محمد قطب، جهل را ثمره پیروی از هواهای نفسانی و هوسهای خودسرانه می‌داند که انسان را از طاعت خداوند منحرف ساخته است. او به عنوان فردی مسلمان، به صراحت، نقطه مقابل اسلام و فرامین شریعت را جهل می‌داند؛ زیرا اطاعت غیر خدا در چارچوب هوا و هوس قرار می‌گیرد (همان: 64). اما جاهلیت امروز در وضعیتی ممتاز و منحصر به فرد به سر می‌برد؛ به طوری که در نهایت، وضعیت تاریخی جاهلیت، به عداوت با دین خدا می‌پردازد (همان: 70). این اندیشمند معتقد است دستیابی جاهلیت قرن بیستم به علم و دانش، سبب فزونی قدرت سرشار مادی شده که به وسیله آن امکان دستیابی به لذایذ مادی فراهم و این رخداد سبب پیچیدگی جاهلیت نوین می‌شود. حال آنکه جاهلیت‌های گذشته باطلی آشکار بود که فهم آن به سادگی امکان داشت؛ اما جاهلیت قرن بیستم، به وسیله دانشی که در اختیار دارد، همگان را مقهور قدرت خویش ساخته، تظاهر به حق می‌نماید (همان: 74). محمد قطب در انتهای اثر خود به مسئله «بازگشت انسان به سوی خدا» تأکید می‌کند و با غالب دانستن قدرت خداوند بر خلق، از سنت‌های الهی نظیر نابودی قوم نوح یاد می‌کند. (همان: 410)

د) جاهلیت مدرن به مثابه غیریت دانشگاه اسلامی

پیشینه اندیشگری گفتمان انقلاب اسلامی سبب می‌شود تا در این نظام فکری از دو عالم معقولات و محسوسات سخن به میان آید و انسان را دارای دو بُعد جسمانی و روحانی بداند که هر دو باید با هم رشد یابند تا سعادت آدمی تضمین شود. همچنان که در حکمت اسلامی، به ویژه مشرب صدرایی ذکر شد، اساس بر دریافت حقایق عالم و کسب نور (علم) است که متضمن سعادت آدمی است. در این خصوص، امام خمینی در نامه‌ای خطاب به گورباچف این اصل را یادآور شده و تلاش می‌کند حقیقت توحید و معنویت را به رهبر شوروی سابق معرفی کند. آنچه از منظر امام خمینی اهمیت اساسی دارد، بی‌توجهی و جهل انسان غربی نسبت به مسئله توحید و معاد است. بنیانگذار انقلاب اسلامی در نامه مذکور با تأکید بر اهمیت توحید و دووجهی بودن ساحت آدمی می‌نویسد:

«امروز اگر مارکسیسم در روش‌های اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است... مشکل اصلی کشور شما مسئله

مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست؛ مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتدال و بن بست کشیده یا خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است... برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخی جهان جستجو کرد؛ چرا که مارکسیسم جوایگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت، که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است، به در آورد... مادیون معیار شناخت در جهان‌بینی خویش را حس دانسته و چیزی را که محسوس نباشد از قلمرو علم بیرون می‌دانند؛ و هستی را همتای ماده دانسته و چیزی را که ماده ندارد موجود نمی‌دانند. قهراً جهان غیب، مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت را یکسره افسانه می‌دانند؛ در حالی که معیار شناخت در جهان‌بینی الهی اعم از حس و عقل می‌باشد و چیزی که معقول باشد، داخل در قلمرو علم می‌باشد گرچه محسوس نباشد. لذا هستی اعم از غیب و شهادت است و چیزی که ماده ندارد، می‌تواند موجود باشد و همان‌طور که موجود مادی به مجرد استناد دارد، شناخت حسی نیز به شناخت عقلی متکی است... انسان در فطرت خود هر کمالی را به طور مطلق می‌خواهد و شما خوب می‌دانید که انسان می‌خواهد قدرت مطلق جهان باشد و به هیچ قدرتی که ناقص است دل نبسته است... قدرت مطلق و علم مطلق باید باشد تا آدمی دل به آن ببندد. آن خداوند متعال است که همه به آن متوجهیم، گرچه خود ندانیم. انسان می‌خواهد به حق مطلق برسد تا فانی در خدا شود. اصولاً اشتیاق به زندگی در نهاد هر انسانی نشانه وجود جهان جاوید و مصون از مرگ است...» (امام خمینی، 1386، ج 21: 224)

مطابق آنچه گفته شد، دانشگاه اسلامی با نقد تفکر مادی و ناقص دانستن این بینش، باید تلاش کند اصل نیاز معنوی و بازگشت به فطرت و خداجویی را توجه دهد یا به بیان واضح‌تر؛ آدمی را از عالم جهل به عالم عقل وارد سازد. از منظر این دانشگاه، تصدیق حق و حقیقت‌طلبی باید از نشانگان عقل باشد و در برابر، انکار آن نشانه جهل و جاهلیت به شمار رود. مطابق این رویکرد که در مواضع متعدد آیت‌الله خامنه‌ای نیز دیده می‌شود،¹ دانشگاه اسلامی باید رویکردی اثباتی و تیشیری به مسئله ساخت تمدن نوین به عنوان طرحی بدیل داشته باشد و همچنان که فارابی نیز در تقسیم‌بندی خود در انواع جاهلیت معتقد است که نوعی از جاهلیت تلاش برای غلبه و تسلط بر دیگران است، به دانشجویان نشان دهد که جاهلیت مدرن از طریق دانش و تبلیغات رسانه‌ای می‌کوشد تا با ظلم، ستم، خشونت، گردن‌کشی و عدم تسلیم برابر حق، در پی استیلا بر جهان برآید. دانشگاه اسلامی همچنین باید زیست‌نگاه غربی را که فرو رفته در عمیق‌ترین وضعیت جاهلانه است، با بیانی انتقادی تحلیل کند و مطابق با حدیث امام صادق (ع) در باب شناخت جنود

1. بیانات در دیدار مسئولان نظام، 1389/04/19؛ بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، 1394/02/26؛ نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی، 1394/09/08؛ بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، 1392/09/19.

جاهلیت مدرن و الزامات تضمینی ایجاد دانشگاه اسلامی 405

عقل و جهل، نشان دهد که جهل «ارث ابلیس» است و خودبینی حاصل از جهل، منجر به عصیان و سرکشی شده، فعلیت گرفتن جهل به معنای خروج از ساحت تقرب الهی و الحاق به حزب ابلیس است (امام خمینی، 1391: 22). از منظر دانشگاه اسلامی و مطابق با حرکت جوهری، هر ملتی که به ساحت جهل درآید و قوای جاهلیت را در خود پروراند، از عالم سعادت به شقاوت درآمده و در پی شهوترانی و خودخواهی از بندگی خداوند خارج خواهد شد. بر این اساس، تأکید و تذکر این نکته در دانشگاه اسلامی ضرورت می‌یابد که نخستین مخاطب جاهلیت مدرن، جامعه و دولت در ایران است؛ زیرا پس از تلاش برای مدرنیزاسیون منطبق بر مدرنیته غربی، ایران نیز به دامان تمدن جاهلی فرو رفت، خویشتن خود را گم کرد و در برابر غرب زانو زد. بدین ترتیب، دانشگاه اسلامی با طرح بازگشت به خویشتن باید تلاش کند که به بازآفرینی خود در اکنون و آینده بپردازد و با طرد مظاهر و اساس جاهلیت مدرن، بکوشد که جامعه را از این پیرایه‌های جاهلی بزدايد و هویتی عقلانی و به دور از جهل و اصالت مادی بیافریند.

ه) دانشگاه اسلامی به مثابه برابر نهاد¹ جاهلیت مدرن

از آنجا که فلسفه وجودی گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس اصل هدایت ابنای بشریت قرار دارد، دانشگاه حاصل از این گفتمان باید برابرهایی را برای مواجهه با جاهلیت مدرن متصور باشد. بر این اساس، اگر بنا باشد در زمینه گسترش واقعی دانشگاه اسلامی و رفع ناکارآمدی‌های آن بر اساس داعیه گفتمان انقلاب اسلامی ایران اقدامی صورت پذیرد، ضروری است که علوم انسانی در کشور چابک‌تر شود و در درجه اول از مواهب آزاداندیشی بهره‌گیری کند. البته چنین اقدامی مستلزم شجاعت و ایمان به مبدا و معاد است و مشابه آن را در عصر معاصر می‌توان در نگره‌های فکری رهبران انقلاب و بنیانهای نظری برزیستن از منظر ایشان جستجو کرد. بر مبنای تحلیل محتوای گفتمانی سخنان رهبران انقلاب ایران، می‌توان برخی از مهم‌ترین الزامات تضمینی برای تحقق اهداف دانشگاه اسلامی را در قالب نکاتی به شرح ذیل مطرح کرد.

1. بازگشت به اصول دین (توحید، معاد و نبوت)

مطابق آیات قرآن، هدف متوسط از خلقت، بندگی خدا (ذاریات: 52) و هدف عالی آن، وصول به مبدا نور هستی است (نجم: 42)؛ زیرا بازگشت همه به سوی خداست (بقره: 156) و هر آنچه در مسیر گرایش به خداوند قرار گیرد، بتهای جاهلیت معنا می‌شود. بدین ترتیب، دانشگاه اسلامی باید با قرار دادن جاهلیت مدرن در

1. Antithesis

406 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 80

برابر باور به اصول دین و در قالب بازیابی و احیای مفاهیم توحید، معاد و نبوت، به گونه‌ای هدفمند و مستمر بکوشد جامعه دانشگاهی را از جهالت نجات دهد.

آیت‌الله خامنه‌ای در این باره تصریح می‌کنند: «بیان، مهم‌ترین وظیفه پیغمبران است. دشمنان پیغمبران از جهلها و پرده‌پوشی‌ها استفاده می‌کنند، از پوشش نفاق استفاده می‌کنند؛ پیغمبران، پوشش جهل و نفاق را می‌زدند. وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ؛ گنجینه خرد را برای بشر بازگشایی کنند؛ پیغمبران برای این آمدند که انسانها را به تعقل وادار کنند، به اندیشیدن وادار کنند، به فکر کردن وادار کنند؛ ببینید چه هدفهای بزرگی است؛ [اهداف] بعثت اینهاست. امروز بشر چقدر احتیاج دارد! بعد هم که بازگشایی گنجینه‌های خرد در انسانها انجام گرفت، وَ يُرَوِّهُمُ آيَاتِ الْمَقْدَرَةِ؛ عقل بشر را هدایت کند به سمت توحید، به سمت آیات الهی، و آیات قدرت پروردگار را در مقابل چشم آنها قرار بدهند» (در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، 1395/02/16)

2. مرزبندی ذهنی و عینی با مظاهر استکبار

بر مبنای متون اسلامی، استکبار مشخصه اصلی ابلیس است و منظور از آن، خودبزرگ‌بینی و تفاخر شیطان نسبت به آدم است که سبب انانیتش در برابر فرمان الهی و بیرون رفتن از رحمت پروردگار شد (حسینی ممدانی، 1363، ج 2: 420). امام صادق (ع) کبر را پست‌ترین و پایین‌ترین درجه برگشت از حق و الحاد معرفی می‌کنند. امام خمینی با یادآوری این حدیث، مسئله استکبار را برگشتن از حق در چهار درجه کبر به خدای متعال، به انبیا و اولیا، به اوامر خدای متعال و کبر بر بندگان خدا معرفی می‌کنند (محدثی، 1387: 38). در این اجمال، ملاحظه می‌شود که موضوع استکبار به مثابه مقوله‌ای شیطانی و در عین حال پیچیده، جایگاه قابل توجهی باید در دانشگاه اسلامی داشته باشد. بر این اساس، تبیین عملیاتی (نه تنها نظری) و بدون تنازل مصادیق استکبار داخلی و خارجی و ضرورت مرزبندی با مستکبران از دیگر برابرنهادهایی است که در دانشگاه اسلامی و در مواجهه با پدیده جاهلیت مدرن باید به صورت مداوم و جدی مطرح شود.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این باره چنین تصریح می‌کنند: «... در مقابل این گفتمان (گفتمان انقلاب اسلامی)، گفتمان جاهلیت امروز دنیا است... نقطه مقابل آن، یک گفتمان ظالمانه، زورگویانه، متکبران و خودخواهانه است از سوی قدرتهای انحصارطلب عالم؛ قدرتهای سلطه‌گر عالم که متکی به بنگاههای اقتصادی بزرگ جهانند... و امروز در پوششهای گوناگون الفاظ زیبا، مثل حقوق بشر، مثل عدم خشونت و امثال اینها، منافقانه و ریاکارانه کار خودشان را پیش می‌برند. اما چشمان تیزبین ملت‌ها می‌تواند تشخیص بدهد؛ می‌تواند این دو گفتمان را در مقابل هم ببیند» (بیانات در دانشگاه افسری امام حسین (ع)، 1394/02/30)

3. تداوم رسالت انبیای الهی

امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر ضرورت عدم توقف نهضت اسلامی و ایجاد نظامی منطبق بر آموزه‌های اسلامی و رسالت انبیا و رسولان الهی همواره تأکید داشتند: «... و همه باید با هم با یک صدا این

جاهلیت مدرن و الزامات تضمینی ایجاد دانشگاه اسلامی 407

نهیست را نگذارید که به سستی بکشد، حفظ کنید. همه مکلفیم که حفظ کنیم این را. با این نهضت اسلامی ما تا اینجا آمدم و قدرتها را عقب زدیم؛ با این نهضت اسلامی باید سازندگی کنیم از حالا به بعد؛ یعنی همه با هم، همه با هم به جلو برویم. همه با هم به [سوی] یک تمدن صحیح، نه «تمدن محمدرضایی»! تمدن الهی، تمدن رسول‌اللهی؛ آن که همه اقشار بشر را، سیاه و سفیدش را هیچ فرق نمی‌گذارد مگر اینکه به تقوا: *إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ*، میزان تقوا است، میزان انسانیت است». (امام خمینی، 1386، ج 6: 343)

رهبر انقلاب نیز بر مبنای رسالت الهی که اسلام برای هر مسلمانی معین کرده است، می‌فرماید: «ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت؛ این تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرتها درباره بشریت فکر می‌کنند و عمل می‌کنند؛ این به معنای تصرف سرزمینها نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملتها نیست؛ این به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملتها نیست؛ این به معنای عرضه کردن هدیه الهی به ملتها است تا ملتها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود، راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرتهای جهان ملتها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه گمراهی است. این وظیفه امروز ما است». (در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کفرانس وحدت اسلامی، 1394/10/08)

ایشان در راستای اعتلای گفتمان انقلاب اسلامی، برابرنهاد اصلی جاهلیت مدرن را ساخت نظامی سیاسی بر پایه عقل می‌دانند که در برابر تمدن جهل پایه، یک تقابل همه‌جانبه و ساختاری است و باید ضمن عبور از مراحل «نظام سیاسی»، «دولت اسلامی» و «جامعه اسلامی»، به «تمدن نوین اسلامی» به عنوان نقطه متعالی گفتمان انقلاب اسلامی برسد: «جای ما به چالش کشیدن زشتی‌ها و سختی‌ها و دردمندی‌هایی است که از سلطه زر و زور و حاکمیت فساد مالی و قدرت، در دنیا و در سطح بین‌المللی به وجود آمده؛ این را دست کم نگیرید... روی اینها تأمل کنید. علت شلاقهایی هم که بر پیکر تأثرناپذیر جمهوری اسلامی پی‌درپی وارد می‌کنند، همین است». (در دیدار دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکلهای دانشجویی، 1384/07/24)

رهبر انقلاب همچنین با خطاب قرار دادن روشنفکران راستین و عالمان دینی جهان اسلام، این طیف را موظف به اعتلای گفتمان دانشی اسلام در امت مسلمان می‌دانند: «دنیای اسلام ابزارهای فراوانی دارد: ما جمعیت خوبی داریم، سرزمینهای خوبی داریم، موقعیت جغرافیایی برجسته‌ای داریم، منابع طبیعی بسیاری در دنیای اسلام داریم. نیروهای انسانی با استعداد و برجسته‌ای در دنیای اسلام داریم که اگر اینها را با تعالیم اسلام مستقل بار بیاوریم، می‌توانند آفرینشهای هنرمندانه خودشان را در عرصه علم، در عرصه سیاست، در عرصه فناوری و در عرصه‌های گوناگون اجتماعی نشان بدهند و ارائه بدهند». (در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کفرانس وحدت اسلامی، 1394/10/08)

آنچنان که نشان داده شد، دانشگاه اسلامی بر مبنای تکلیف و رسالت الهی باید حساسیت زیادی را برای ترویج باورهای خود به صورت عمیق و نه سطحی قائل باشد. اما بدیهی است این اقدام در عصر پساپیامبری، پیچیدگی و ظرافتهایی خاص دارد که تاکنون اقدامات عملی و دانشگاهی برای پیشبرد عملیاتی

آن، از بیان اهمیت مسئله چندان فراتر نرفته است. بر مبنای آنچه درباره جاهلیت مدرن در اندیشه اسلامی گفته شد، ایجاد دانشگاه اسلامی مستلزم نقشه‌ای است که بر مبنای حکمت اسلامی نُضح گرفته باشد. این نقشه راه را می‌توان مشابه مشرب حکمی - فقهی صدرایی دانست که بر اساس آن، سالک پس از سفرهای اول (سفر از خلق به حق) و دوم (سفر همراه حق در حق)، در پیگیری مسیر هدایت‌گرایانه خود، به سراغ مردم آمده (سفر همراه حق از حق به خلق)، در جامعه خود ایجاد طلب کرده و در مسیری سعادت‌طلبانه، مردم را به سوی حق دعوت می‌کند (سفر همراه حق در خلق) (ملاصدرا، 1384) و به اساس راز آفرینش؛ یعنی سیر در نور الهی می‌کشد. تضمین‌های این نقشه راه، در بخش جمع‌بندی و تحلیل ارائه می‌شود.

و) بحث و نتیجه‌گیری

گفتمان انقلاب اسلامی ایران هویتی هدایتگر دارد که بر مبنای آموزه‌های فقهی، کلامی و حکمی اسلامی شکل گرفته است. این گفتمان در نوع بینش خود متفاوت از گفتمان‌های دیگر است؛ زیرا غایاتی متفاوت مد نظر دارد و روابط اجتماعی خود را بر مبنای اصل دعوت به توحید و هدایت بشریت قرار می‌دهد و با تأویل و بهره‌گیری از آموزه‌های الهی اسلام تلاش می‌کند انسانها را از ابتلا به جاهلیت مدرن بر حذر دارد. آنچه این نوشتار نشان داد، جاهلیت مدرن در گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان یکی از عناصر «غیر»، به صورتی دقیق و مطابق باورهای رایج اسلامی و به ویژه فلسفه سیاسی شیعی در خوانش از فارابی و ملاصدرا و همچنین متأثر از آرای محمد قطب و اندیشه سیاسی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، مفصل‌بندی و معناسازی شده است.

نوشتار پیش رو کوشید تا نشان دهد بر مبنای گفتمان انقلاب اسلامی، جاهلیت مدرن بازتولید جاهلیت اولیه در وسعت بسیار زیاد با توان و نیرویی مضاعف است. جاهلیت مدرن همچنین دارای دو ویژگی اصلی «شهوترانی افسارگسیخته» و «خشم و قساوت» است و سلطه‌گری و جنگ‌افروزی، دروغ‌افکنی برای تحمیل فرهنگ منحط غربی به همراه بی‌بندوباری در مسائل جنسی، بخشی از مهم‌ترین برنامه‌های جاهلیت مدرن محسوب می‌شود. با توجه به تبارشناسی انجام شده در باب صورتبندی مفهوم جهل، سبک زندگی غرب فلسفی - سیاسی را می‌توان مصداق تاریکی و تلفیقی از انواع و اقسام مدینه‌های جاهلی برشمرد که از طریق تبلیغات و دروغ‌پردازی‌های گسترده، ابتدا به بزرگ‌نمایی و فخرفروشی تمدنی می‌پردازد و سپس در پی تحمیل و اشاعه ارزشهای خود به جوامع اسلامی است. برابر نهاد این روند را می‌توان در بازگشت به اصول دین، مرزبندی عینی و ذهنی با مظاهر استکبار و تداوم رسالت الهی پیامبران جستجو کرد. از این منظر، نسخه موفق دانشگاه اسلامی را در مواجهه با «دگر» غربی باید دانشگاهی توصیف کرد که بتواند با اتکا به عقل بومی و نفی جهل مدرن، منشأ و مقصدی الهی داشته، غایت آن هدایت مردم به سمت سعادت و حقیقت؛

جاهلیت مدرن و الزامات تضمینی ایجاد دانشگاه اسلامی 409

یعنی نزدیکی و تقرب به ساحت الهی و زندگی و زیست مؤمنانه باشد. در حقیقت؛ دانشگاه اسلامی باید نقشی را برای اساتید و دانشجویان به عهده گیرد که پیش تر پیامبران الهی آن وظایف را ایفا می کردند. از همین رو، کارویژه دشوار این نظام دانشگاهی در برابر جاهلیت مدرن باید از سویی مبتنی بر تحول اخلاقی از درون و تزکیه دانشگاهیان، حرکت به سمت اهداف الهی، تبعیت از بعثت و بصیرت در شناخت سیاسی و از سوی دیگر، تلاش برای عادلانه کردن مناسبات و نظم اجتماعی داخلی و جهان باشد.

با این وصف، باید در نظر داشت که دانشگاه اسلامی قطعاً نمی تواند و نباید در پی شکستن بنیانهای اصیل فکری و تجارب مشترک بشری باشد و اصل حاکم بر دانشگاه اسلامی می بایست همانند روش پیامبران، حفظ روحیه تعادل و ارتقای تساهل در حد یک امر حقوقی مثبت باشد. در این دانشگاه بر مبنای حکمت محوری و حقیقت گرایی، ابتدا لازم است آداب بحث و گفتگوی عالمانه در جامعه دانشگاهی تعلیم داده شود و سپس از اندیشمندان خواسته شود وارد معرکه هایی شوند که مستلزم تحمل بالا و ممارست در شنیدن سخن مخالف است. دانشگاه اسلامی همچنین باید خود را مکلف به تدارک و تهیه نقشه راهی کند که متناسب با پیچیدگی های مناسبات بین المللی، نتایج اثربخش و مطلوب را در میان مدت و بلندمدت موجب شود. ایجاد توانمندی لازم برای تبیین و اجرای سبک زندگی مؤمنانه هر چند اساس کارامدی دانشگاه اسلامی است، اما این دانشگاه بدون تولید دانش جهانی و معنا در تمام رشته های علمی، به هیچ عنوان محقق نخواهد شد. الگوی دانشگاه اسلامی از این منظر باید متکی به جنبش نرم افزاری جاهلیت ستیز باشد که تولید دانش و فناوری روزآمد و نوین و صدور آن به کشورهای دیگر را با هدف تولید ثروت برای رهایی از اتکا به ثروتهای زیرزمینی و منابع فانی پیگیری می کند و دانش و تولید معنا را شرط اصلی بقا می داند.

در نهایت ذکر این نکته ضروری است که شناخت جاهلیت و مبانی و اصول آن در راستای ایجاد دانشگاه اسلامی، به مثابه «شرط لازم» (و نه کافی) است؛ به نحوی که با ارجاع مداوم به مبانی آن، از سویی کاستی های بنیادین گفتمانی و نیازهای راستین شناسایی شود و از سوی دیگر، الگویی موفق را برای تقلید در اختیار دیگران قرار دهد. از این منظر، بدیهی است دانشگاه اسلامی نمی تواند با بهره گیری از انتزاعیات نظری و کلی گویی های مبهم، بدون ترسیم جایگاه خود در نسبت با جهالت مدرن در جهان معاصر، به اهداف گفتمانی نایل آید و در نتیجه، برنامه ریزی راهبردی برای مدیریت مسئله و ابعاد پدیده جهالت مدرن در دانشگاه اسلامی، مستلزم گامهای عملی، اقدامات عمیق و مداوم نسلی است.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن اثیر، عزالدین (1370). تاریخ کامل. ترجمه سید حسین روحانی. تهران: اساطیر.
- امام خمینی، سید روح الله (1386). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (1391). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آخوند، سکینه؛ سیده راضیه پورمحمدی و معصومه نجفی (1395). «بررسی تطبیقی شاخصه‌های اخلاقی جاهلیت اولی با جاهلیت مدرن». همایش ملی اسلام و جاهلیت مدرن؛ چالشها و بایسته‌ها. مشهد: جامعه المصطفی العالمیه، بهمن.
- بدیع، برتران (1380). دو دولت؛ قدرت و جامعه در غرب و در سرزمینهای اسلامی. ترجمه احمد نقیب‌زاده. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- برمن، مارشال (1386). تجربه مدرنیته. ترجمه مراد فرهادپور. تهران: طرح نو.
- پالمر، ریچارد ای. (1389). علم هرمنوتیک. ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی. تهران: هرمس.
- جعفریان، رسول (1392). تاریخ سیاسی اسلام 1، سیره رسول خدا (ص). قم: دلیل ما.
- جونز، ویلیام توماس (1388). خداوندان اندیشه سیاسی. ترجمه علی رامین. تهران: امیرکبیر.
- حسینی همدانی، سید محمد (1363). درخشان پرتوی از اصول کافی. قم: چاپخانه علمیه قم.
- حقیقت، صادق و سید محمدعلی حسینی‌زاده (1387). «گفتمان». رهیافت و روش در علوم سیاسی. تهران: سمت.
- داوری اردکانی، رضا (1354). فلسفه مدنی فارابی. تهران: زر.
- رزتی، ریچارد (1386). فلسفه و امید اجتماعی. ترجمه عبدالحسین آذرننگ و نگار نادری. تهران: نی.
- رضایی، غلامرضا (1395). «اومانیزم، علت‌العلل معرفتی معنویت مدرن جاهلی». همایش ملی اسلام و جاهلیت مدرن؛ چالشها و بایسته‌ها. مشهد: جامعه المصطفی العالمیه، بهمن.
- سبحانی، جعفر (1380). فروغ ابدیت / تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم (ص). قم: بوستان کتاب.
- صیدی، محمود (1395). «جاهلیت مدرن در مدرنیته با نظر به مبنای قرآن کریم». همایش ملی اسلام و جاهلیت مدرن؛ چالشها و بایسته‌ها. مشهد: جامعه المصطفی العالمیه، بهمن.
- عنایت، حمید (1381). بنیاد فلسفه سیاسی در غرب. تهران: زمستان.
- فاتح راد، مهدی؛ محمدحسین نقوی و محمدرضا جلیلود (1392). «دانشگاه حکمت‌بنیان نهاد مبنایی پیشرفت متعالی». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره هفدهم، ش 56.

جاهلیت مدرن و الزامات تضمینی ایجاد دانشگاه اسلامی 411

- فدایی مهربانی، مهدی (1393). حکمت، معرفت و سیاست در ایران: اندیشه سیاسی عرفانی در ایران، از مکتب اصفهان تا حکمای الهی معاصر. تهران: نی.
- فضل الهی قمشی، سیف‌الله و سوده اسلامی فر، (1390). «معیارهای دانشگاه اسلامی از دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی». ماهنامه معرفت، سال بیستم، شماره 8.
- فوکو، میشل (1389). ایران: روح یک جهان بی‌روح و 9 گفتگوی دیگر با میشل فوکو. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نی.
- قدوسی، زهرا (1395). «وجود اشتراک و تمایز جاهلیت اولی با جاهلیت امروز». همایش ملی اسلام و جاهلیت مدرن؛ چالشها و بایسته‌ها. مشهد: جامعه‌المصطفی العالمیه، بهمن.
- قربانی زاده، وجه‌الله و محمد امینی (1393). «آرمان‌گرایی و حرکت در دانشگاه اسلامی». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال هجدهم، ش 59.
- قطب، محمد (1359). جاهلیت قرن بیستم. ترجمه محمدعلی عابدی. تهران: نشر مرکز-نشر انقلاب.
- کلینی، محمدبن یعقوب (1379). اصول کافی. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- لویون، گوستاو (1394). تمدن اسلام و عرب. ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی. تهران: بدرقه جاویدان.
- مارش، دیوید و جری استوکر (1388). روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محدثی، جواد (1387). بر کرانه شرح چهل حدیث امام خمینی. تهران: عروج.
- مرتضوی، خدایار (1386). «تبیین روش‌شناسی اندیشه سیاسی از منظر کوشش اسکینو». پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، ش 1: 159-191.
- معینی علمداری، جهانگیر (1389). روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست (اثبات‌گرایی و فواید اثبات‌گرایی). تهران: دانشگاه تهران.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (1366). ترجمه و تفسیر الشواهد الربوبیه. ترجمه جواد مصلح. تهران: سروش.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (1384). ترجمه اسفار اربعه. ترجمه محمد خواجوی. تهران: مولی.
- مهدی، رضا (1392). «نظریه دانشگاه اسلامی: الگوی فرهنگی منتج از روش نظریه‌مبنایی». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره هفدهم، ش 54.
- میرزایی، عبدالحمید (1395). «جاهلیت مدرن از نگاه آیات و روایات». همایش ملی اسلام و جاهلیت مدرن؛ چالشها و بایسته‌ها. مشهد: جامعه‌المصطفی العالمیه، بهمن.
- میرسپاسی، علی (1393). تأملی در مدرنیته ایرانی: بحثی درباره گفت‌مانهای روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران. ترجمه جلال توکلیان. تهران: طرح نو.

- ناظرزاده کرمانی، فرناز (1376). اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی؛ شرح نظریه مدینه فاضله با تطبیق بر آرای افلاطون و ارسطو. تهران: دانشگاه الزهرا.
- وبر، ماکس (1388). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی.
- هاشم زهی، نوروز و همکاران (1389). «سنجش مقایسه‌ای تگرش مبدعان و دانشگاهیان به اسلامی‌سازی دانشگاه در ایران». فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره چهاردهم، ش 42.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیس (1389). نظریه و روش در تحلیل گفت‌وگو. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- **Holy Quran.**
- **Nahj Al Balagha.**
- Akhund, S. & Others (2016). “**Barresi Tatbiqi Shakesehaye Akhlaghi Jaheliyat-e Ola ba Jaheliyat-e Modern**” (A Comparative Study of Moral Characteristics of the First Irrationality with Modern Ignorance). *National Conference of Islam and Modern Ignorance*. Mashhad: Jamia al Mustafa Alamia.
- Badih, Bartaran (2001). **Two states; power and society in West and Islamic countries**; Translated to Persian by Ahmad Naghib Zadeh. Tehran: Islam and Iran recognition Pub.
- Berman, Marshal (2007). **All that is Solid Melts into Air: The Experience of Modernity**. Translated to Persian by Morad Farhadpoor. Tehran: Tarh-e No Publishing.
- Davari Ardakani, Reza (1975). **Falsafe Siasi-e Farabi (Farabi Civic Philosophy)**. Tehran: Zar Publishing.
- Enayat, Hamid (2002). **Bonyad-e Falsafe Siasi Dar Gharb** (The Foundation of Political Philosophy in the West). Tehran: Zemestan Publishing.
- Fadaie Mehrbani, Mahdi (2014). **Hekmat, Marefat va Siasat Dar Iran (Wisdom, Knowledge and Politics in Iran)**. Tehran: Ney Publishing.
- Fateh Rad, Mehdi; Muhammad Hussein Naghavi & Mohammad Reza Jalilvand (2013). “**Knowledge Based University; an Institution for Supreme Development**”. *The Knowledge Studies in the Islamic University*, Vol. 17, Issue 56: 471-496.
- Foucault, Michel (2010). **Iran, Ruh-e Jahan-e Biruh (Iran: the Soul of a World Repulsions)**. Translated to Persian By Niko Sarkhosh and Afshin Jahandide, Tehran: Ney Publishing.
- Ghodusi, Zahra (2016). “**Vojuh-e Eshterak Va Tamayoz Jaheliyat-e Ola and Jaheliyat-e Modern**” (Dimensions of The Similarity and Difference Between the First Irrationality and Today's Ignorance). *National Conference of Islam and Modern Ignorance*. Mashhad: Jamia al Mustafa Alamia.
- Ghorbani Zadeh, Vajhollah & Muhammad Amini (2014). “**Knowledge Based University; an Institution for Supreme Development**”. *The Knowledge Studies in the Islamic University*, Vol. 18, Issue 59.
- Haghghat, Sadegh & Mohammad Ali Hossein Zadeh (2008). “**Discourse**”. *Approach and Method in Political Science*. Tehran: Samt Publishing.

- Hosseini Hamedani, S.M. (1984). **Brilliant Beam of Osul-e Kafi**. Qom: Elmieh Qom Publishing.
- Ibn Al-Athir, Ez al-Din (1991). **Tarikh Al-Kamel (The Complete History)**. Tehran: Asatir Publishing.
- Imam Khomeini (2007). **Sahife-ye Imam**. Tehran: Imam Khomeini Publishing.
- Imam Khomeini (2012). **Jonud-e Aghl Va Jahl (Soldiers of Wisdom and Ignorance)**. Tehran: Imam Khomeini Publishing.
- Jafarian, Rasoul (2013). **Political Islam History**, Vol. 1. Qom: Dalil e Ma Publishing.
- Jones, William Thomas (2009). **Translation Masters of Political Thought**. Translated to Persian by Ali Ramin. Tehran: Amirkabir Publishing.
- Jorgensen, Marianne & Louise Philips (2010). **Discourse Analysis as Theory and Method**. Translated to Persian by Hadi Jalili. Tehran: Ney Publishing.
- Koleyni, Mohammad Ben Yaghub (2000). **Osul-e Kafi**. Translated to Persian By Mohammad Baqer Kamarei. Tehran: Daftar-e Motaleat-e Tarikh Va Maaref-e Islami.
- Laclau, Ernesto & Chantal Muffe (1985). **Hegemony & Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics**. London - Now York: Verso.
- Le Bon, Gustave (2015). **The World of Islamic Civilization**. Tehran: Javidan Publishing.
- Mahdi, Reza (2013). "Knowledge Based University; an Institution for Supreme Development". *The Knowledge Studies in the Islamic University*, Vol. 17, Issue 56: 471-496.
- Marsh, David & Gerry Stoker (2009). **Theory and Method in Political Science**. Translation to Persian by Amir Muhammad Hajjiyusefi. Tehran: Motaleaat e Rahbordi Publishing.
- Mirsepasi, Ali (2014). **Negotiating Modernity in Iran: Intellectual Discourse and the Politics of Modernization**. Tehran: Tarh e No Publishing.
- Mirzaei, Abdolhamid (2016). "Jaheliat-e Modern Az Negah-e Ayat Va Revayat" (Modern Ignorance from the Perspective of Verses and Narrations). *National Conference of Islam and Modern Ignorance*. Mashhad: Jamia al Mustafa Alamia.
- Moeini Alamdari, Jahangir (2010). **Ravesh Shenasi Jadid dar Siyasat (Methodology of New Theories of Politics)**. Tehran: University of Tehran Press.
- Mohaddesi, Javad (2008). **Bar Karan-e Sharh-e Chehl Hadis Imam Khomeini (on the Bank of The Description of Forty Hadiths Imam Khomeini)**. Tehran: Oruj Publishing.
- Molla Sadra (1987). **Tarjome Va Tafsir-e Shavahed Al-Robubiya (Translation and Commentary on Al-Shavhed al-Robubiya)**. Tehran: Soroush Publishing.
- Molla Sadra (2005). **Tarjome Asfar-e Arbae (Translation of Asfar-e Arbae)**. Tehran: Mula Publishing.

- Mortazavi, Khodayar (2007). “**Understanding Political Thought**”. *Iranian Political Science Association*, Vol. 3, No. 1: 151-191.
- Nazerzade Kermani, Farnaz (1997). **Osul Va Mabadi-e Falsafe Siasi Farabi (Principles of Farabi's Political Philosophy)**. Tehran: Al-Zahra University Publishing.
- Palmer, Richard E. (2010). **Hermeneutics: Interpretation Theory in Schleiermacher, Dilthey, Heidegger, and Gadamer**. Translated to Persian by M.S.H. Kashani. Tehran: Hermes Publishing.
- Qutb, Mohammad (1980). **Jaheliyat al-qarn al-'Ishrin (Jahiliyya of the Twentieth Century)**. Tehran: Nashr-e Markaz – Nashr-e Enghelab.
- Rezaei, Gholamreza (2016) “**Humanism, the Epistemic Cause of Modern Ignorance**”. *National Conference of Islam and Modern Ignorance*. Mashhad: Jamia al Mustafa Alamia.
- Rorty, Richard (2007). **Translation Philosophy and Social Hope**. Tehran: Ney Publishing.
- Seydi, Mahmud (2016). “**Jaheliat –e Modern Dar Modernite ba Nazar be Mabani Quran**” (**Modern Ignorance in Modernity Based on the Holy Quran**). *National Conference of Islam and Modern Ignorance*. Mashhad: Jamia al Mustafa Alamia.
- Sobhani, Jafar (2001). **Forogh e Abadiyat (Eternal Brightness, a Complete Analysis of the Life of Prophet Muhammad)**. Qom: Boostan- e Ketab.
- Weber, Max (2009). **Translation the Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism**. Translated to Persian Morteza Saghebfar. Tehran: Jami.

